

دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی زبان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)

ناصر رشیدی^۱

شهین فرزانه^۲

چکیده

هدف اصلی از این تحقیق، ارزیابی و مقایسه کیفیت چهار ترجمه از ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر نویسنده معروف آمریکایی، مارک تواین است. در میان الگوهای متعدد برای ارزیابی کیفیت ترجمه، الگوی گارسس را به منزله چهارچوب پژوهش برگزیده‌ایم. این الگو چهار سطح متفاوت معنایی - لغوی، نحوی - صرفی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - منظورشناختی را دربر می‌گیرد. هرکدام از این سطوح، دارای زیرگروه‌ها و اجزاء خاصی هستند که متون ترجمه‌شده براساس آنها ارزیابی می‌شوند. در این مقاله، چهار ترجمه فارسی را از سه مترجم مختلف، برای ارزیابی کیفی انتخاب و بررسی کرده‌ایم و بعد از تعیین میزان فراوانی هر یک از زیرگروه‌های ویژه برطبق الگوی گارسس، نتایج را به صورت جدول‌های

۱. استادیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه شیراز nrashidi@rose.shirazu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد آرفا sh_farzaneh20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱ تاریخ تصویب: ۸۸/۱۱/۱۷

توزیع فراوانی و نمودار نشان داده‌ایم. با محاسبه مقادیر فراوانی در سطوح چهارگانه و در هر یک از زیرگروه‌ها؛ تعیین مقادیر حوزه‌های مشترک در همه ترجمه‌ها (افزایش، حفظ و تصرف)؛ محاسبه مقدار صنایع بلاغی به کار رفته در متون ادبی ترجمه‌شده برپایه سه ویژگی حفظ، حذف و تغییر؛ و درنهایت، تعیین کیفیت ترجمه‌ها براساس دو معیار کفایت و مقبولیت و با توجه به میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت، ترجمه‌ها بدین شرح دسته‌بندی می‌شوند:

الف) براساس مقادیر و اطلاعات حاصل از ویژگی‌های مثبت، شامل ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴)، ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)، محمد قاضی (۱۳۶۶) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)؛

ب) برپایه مقادیر و داده‌های به‌دست آمده از ویژگی‌های منفی، شامل ترجمه‌های داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، محمد قاضی (۱۳۶۶)، محمد قاضی (۱۳۳۴) و ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸).

واژه‌های کلیدی: ترجمه، ارزیابی کیفی ترجمه، الگوهای ارزیابی کیفیت ترجمه، الگوی گارسس (۱۹۹۴)، کفایت، مقبولیت.

۱. مقدمه

ارزیابی کیفیت ترجمه، حوزه جدیدی از تحقیق نیست؛ بلکه دغدغه بسیاری از محققان و سازمان‌هایی است که ترجمه در کانون توجه‌شان قرار دارد. پیشینه مطلوب بودن در ترجمه ادبی یا کتاب‌های مقدس، به قرن‌های گذشته برمی‌گردد؛ اما کیفیت ترجمه به‌منزله یک موضوع قابل بحث، مسئله جدیدتری است و نخستین بار، به سال ۱۹۵۹ در همایش بین‌المللی کیفیت ترجمه د پاریس بدان پرداخته شد (Williams, 2001). درباره این موضوع، تجویدی می‌گوید: «بحث مربوط به تعریف کیفیت، اولین بار در سال ۱۹۵۹ در همایشی با عنوان "سومین همایش اتحادیه

بین‌المللی مترجمان" مطرح شد و مجموعه آن سخنرانی‌ها در کتابی به نام "کیفیت در ترجمه" انتشار یافت که ویراستاران این کتاب، کری و جامپلت (۱۹۶۳) بودند» (تجویدی، ۱۳۸۴: ۲۸).

در همایش بین‌المللی کیفیت، پرسش‌نامه‌ای بین شرکت‌کنندگان، که بیش از صد نفر بودند، توزیع شد و از آنها خواسته شد برداشت خود را از اصطلاح «کیفیت» در ترجمه ادبی بیان کنند. پاسخ‌ها بسیار گوناگون بودند و نتایج، دو نکته مهم را نشان داد:

الف) کیفیت در ترجمه متون ادبی با متون غیرادبی تفاوت دارد؛

ب) کیفیت در ترجمه متون ادبی، در مقایسه با ترجمه متون غیرادبی، اهمیت بیشتری دارد.

امروزه، پس از گذشت چهار دهه از تاریخ برگزاری این همایش، هنوز ترجمه‌پژوهان برداشت‌های متفاوتی از اصطلاح کیفیت دارند و به‌طور کلی، بیشتر فکر می‌کنند تعریف کیفیت باید متناسب با نوع متن و اوضاع و بافت‌های گوناگون باشد.

اگرچه برای ترجمه، معیارهای بین‌المللی به‌دست داده شده است، سازمان‌دهندگان کنفرانس

۱۹۹۹ درباره کیفیت ترجمه در لایپزیک گفته‌اند:

معیارهای عینی قابل‌قبولی برای ارزیابی کیفیت ترجمه‌ها و تعبیر یا تفسیر عملکردها وجود ندارند - حتی آخرین استانداردهای ملی و بین‌المللی در این حوزه - سریهای ISO-9000 و DIN ۲۳۴۵ - ارزیابی کیفیت ترجمه را در یک بافت خاص تنظیم نکرده‌اند. نتیجه، نابسامانی در امر ارزیابی خواهد بود (Williams, 2001: 327).

ارزیابی ترجمه به‌منظور اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه، ضروری است. ارزشیابی ترجمه و مترجم، زمینه‌ای مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در جهت بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود، در ترجمه‌ها، روندی صعودی به‌وجود آید و درنهایت، ترجمه‌هایی با کیفیت عالی داشته باشیم. در بررسی و طبقه‌بندی آثار ترجمه‌شده، برای ارزیابی کیفیت ترجمه‌ها اقدامات نظام‌مند محدودی صورت گرفته است. هتیم و میسن می‌گویند: «ارزیابی عملکرد ترجمه، فعالیتی است که علی‌رغم گسترده بودنش هنوز در دست بررسی و مورد بحث و تبادل نظر می‌باشد» (Hatim and Mason 1997: 199). ارزیابی متون ترجمه‌شده می‌تواند تا حد زیادی، اشکالها و نقطه‌ضعف‌های آنها را آشکار کند و درنهایت،

باعث شود ترجمه‌های بهتری بدید آیند. در این زمینه، تلاش‌های زیادی بر ای به‌دست دادن الگوهای ارزیابی صورت گرفته و محققان ایرانی و خارجی، چهارچوب‌های متفاوتی را مطرح کرده‌اند. از میان آنها می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

الف) فرحزاد یکی از اولین الگوهای سنجش کیفیت ترجمه را در سال ۱۹۹۲ به‌دست داده است. از نظر تجویدی (تجویدی، ۱۳۸۴)، مقاله فرحزاد (فرحزاد، ۱۹۹۲) سازمان‌یافته‌ترین تلاش برای تدوین و عرضه ضوابط و معیارهایی برای ارزیابی کار ترجمه‌آموزان است. این مقاله اولین بار در کنفرانسی با عنوان آموزش ترجمه و ترجمه شفاهی در سال ۱۹۹۰ در دانمارک ارائه شد و سپس در سال ۱۹۹۲، جزء مقاله‌های برگزیده این کنفرانس چاپ شد.

ب) وادینگ تون (Waddington, 2001: 311- 312) نشان می‌دهد که تقریباً عملکردها د ارزیابی کیفیت ترجمه توصیفی یا نظری هستند.

ج) خمیجانی فراهانی (خمیجانی فراهانی، ۱۳۸۴) چهارچوب دیگری پیشنهاد کرده است که می‌توان آن را در ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی متون اسلامی و انواع دیگر متون به‌کار برد و بر این اساس، تعیین کرد که آیا ترجمه مورد نظر، ویژگی‌های یک ترجمه خوب را دارد یا نه.

د) یارمحمدی (یارمحمدی، ۱۳۸۳) در مقاله‌ای، یک چهارچوب نظری کلی درباره مقابله دو زبان انگلیسی و فارسی، از جمله تا گفتمان، به‌دست داده و در آن، از سه بخش نحوی- معنایی، منظورشناختی و متنی-گفتمانی از خاستگاه‌های مشترک با تعامل‌های مختلف، سخن گفته است.

ه) ویلس (۱۹۸۲) در دایره‌المعارف مطالعات ترجمه، بر اهمیت هنجارهای کاربردی در تجزیه و تحلیل متن، در دو جامعه زبانی تاکید می‌کند و معتقد است سرپیچی از این هنجارها نشانه ضعف ترجمه خواهد بود.

و) بنسون و روزنهاوس (۱۹۹۴) برای پایه‌ریزی و طراحی نظریه شان، با استفاده از کارهای وان دیک (۱۹۸۰)، ویدوسون (۱۹۷۹)، هالیدی و حسن (۱۹۷۶) و سرل (۱۹۶۹)، یک طرح ارزیابی کیفیت ترجمه را برای بررسی و ارزیابی ترجمه‌های دانشجویان از طریق تجزیه و تحلیل کلام یا گفتمان، پیشنهاد کرده‌اند.

ز) هاوس (۱۹۹۷) چهارچوبی را برای ارزیابی و مقایسه متون ترجمه شده به دست داده است. وی در آخرین الگوش، که نخست در سال ۱۹۷۷ پیشنهاد کرد، یک رویکرد مفصل غیر کمی، و توصیفی - تشریحی برای ارزیابی کیفیت ترجمه عرضه کرد و مانند روزن هاوس و بنوسن، از ویژگی های متنی - عملکردی استفاده کرد.

ح) گارسس (Garces, 1994) الگویی ترکیبی را در ارزیابی ترجمه به دست داده که مرکب از الگوی پیشنهادی وینه و داربلنه (۱۹۵۸) و عقاید دیگر صاحب نظران حوزه ترجمه مانند نایدا، نیومارک، دلیسل، واز که ایورا، مونن، نوبرت، سنتویو یا توری است.

۲. پیشینه تحقیق

تا امروز، در زمینه ارزیابی متون ترجمه شده، مطالعاتی انجام شده که از میان آنها این موارد، درخو ذکرند:

الف) جباری (جباری، ۱۳۷۰) ترجمه های رسمی فارسی به انگلیسی را با هم مقایسه کرده و به منظور بررسی خطاهای واژگانی و دستوری در مدارک رسمی ای که مترجمان رسمی زبان انگلیسی شیراز ترجمه کرده اند، از تجزیه و تحلیل واژگانی استفاده کرده است.

ب) برخی پژوهش های نرم افزاری نیز برای ارزیابی کیفیت ترجمه انجام شده است. اولین نرم افزار ارزیابی ترجمه های انگلیسی قرآن کریم از دیدگاه معناشناسی و در حوزه افعال را مینایی (مینایی، ۱۳۸۵) عرضه کرده است.

ج) روش های مختلفی نیز برای ارزیابی و مقایسه ترجمه ماشینی و انسانی انجام شده است که هر کدام به سهم خود، ارزیابی نسبتاً مناسبی را به دست می دهند. یکی از این روش های معروف، جایگزین ارزشیابی دوزبانه (BLEU) است که محققان شرکت IBM، آن را توسعه داده اند. جایگزین ارزشیابی دوزبانه، شیوه ای برای ارزیابی کیفی متن ترجمه شده توسط ماشین ترجمه یا دستگاه ترجمه ماشینی است. در این روش، کیفیت ترجمه با عددی بین صفر و یک اندازه گیری می شود.

د) در دانشگاه علامه طباطبایی، حسنی (حسینی، ۱۳۸۵) پژوهشی درباب ارزیابی ترجمه با عنوان *ارزیابی ترجمه بر مبنای پیکره زبانی*، انجام داده است. به نظر او مهم‌ترین مشکل در ارزیابی کیفیت ترجمه، نبودن معیارهای مشخص است. از جمله نتایج این تحقیق، آن است که استفاده از پیکره زبانی برای ارزیابی کیفیت ترجمه، نه تنها به عینی‌تر بودن ارزیابی‌ها کمک می‌کند؛ بلکه این پیکره‌ها مدرسان ترجمه را نیز در تدریس، یاری می‌دهد.

ه) در حوزة ارزیابی ترجمه، امامی (امامی، ۱۳۸۵) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (پژوهشکده زبان‌شناسی)، تحقیق دیگری را با عنوان *بررسی امکان ارزیابی متون ترجمه‌شده بر پایه یک نظریه تحلیل گفتمان*، بر اساس دستور نظام‌مند و نقش‌گرای هالیدی انجام داده است. وی استفاده از نظریه جولیان‌هاوس را، که بر پایه این دستور عرضه شده، برای سنجش کیفیت ترجمه پیشنهاد می‌کند. در پژوهش او، تغییر در ترجمه‌ها در سطح تمام اجزای فرانش‌های میان‌فردی و متنی، انواع عناصر انسجامی و نیز در سطح فرانش‌های منطقی و تجربی، تجزیه و تحلیل شده است. تمرکز اصلی امامی در این اثر، بر دو فرانش میان‌فردی و متنی است. نویسنده سه ترجمه فارسی و سه ترجمه انگلیسی از داستان معروف *شازده کوچولو*، اثر آنتوان دو سنت اگزوپری را ارزیابی کرده و بدین نتیجه‌ها دست یافته است:

- ترجمه قاضی (۱۳۶۶) بهترین ترجمه فارسی از این اثر است.
- رویکردهای تحلیل گفتمان در ارزیابی فرایند و محصول ترجمه، راه‌گشاست؛
- در صورت توجه مترجم به ابزارهایی که تحلیل گفتمان در اختیارش قرار می‌دهد، دقت ترجمه افزایش می‌یابد؛
- انتقال معنای گزاره‌ای، به تنهایی در برگردان یک متن، کافی نیست؛
- بیشتر از دیدگاه کاربردی، رعایت تمام مؤلفه‌های گفتمان هنگام ترجمه امکان‌پذیر نیست؛
- رعایت مؤلفه‌های گفتمانی در فرانش‌های میان‌فردی و متنی، کیفیت ترجمه را افزایش می‌دهد؛

- میزان ترجمه‌پذیری متن به میزان تشابه‌ها و تفاوت‌های مؤلفه‌های گفتمانی در دو زبان، بستگی دارد.

و) از دیگر تحقیقات در این حوزه، مقایسه متنی پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی، با ترجمه فارسی نجف دریابندری: ره‌یافتی در تحلیل کلام، را می‌توان نام برد که خان‌جان (خان‌جان، ۱۳۷۹) در دانشگاه اصفهان انجام داده و در آن، به توصیف گفتمانی متن انگلیسی پیرمرد و دریای همینگوی و ترجمه فارسی نجف دریابندری پرداخته است. خان‌جان برای مقایسه تطبیقی این متن‌ها، از چهارچوب نظری دستور نظام‌مند - نقش‌گرای هلیدی استفاده کرده است. گفتنی است که در دستور هلیدی، نظام زبان از سه لایه معنایی شکل می‌گیرد که به ترتیب عبارت‌اند از: فرانشی اندیشگانی، فرانشی بینافردی و فرانشی متنی. خان‌جان در تحقیقش فرانشی متنی زبان و چگونگی تبلور عینی آن در متن‌های مبدأ و مقصد را بررسی کرده است و در پی یافتن پاسخی برای این پرسش کلی است که آیا از نظر برقراری تعادل کارکردی بین مثلث نویسنده - متن انگلیسی - خواننده انگلیسی‌زبان و مثلث نویسنده - ترجمه فارسی - خواننده فارسی‌زبان، در هر دو سطح خرد و کلان، موازنه برقرار شده است یا خیر. در نتیجه مقایسه متن‌های مبدأ و مقصد درمی‌یابیم مترجم در مسیر دستیابی به تعادل کارکردی، به‌طور متناوب از راهبردهای حفظ و یا تعدیل متون مبدأ و مقصد بهره گرفته است؛ اما در بعضی موارد، راهبردهای استفاده شده از سوی مترجم، به تغییر کارکردی منجر شده است. با وجود این، سرپیچی از تعادل کارکردی، به تغییر نقش متنی متون حاضر در سطح کلان منتهی نمی‌شود؛ به‌ویژه از این جهت که مترجم، پیشاپیش از طریق مقدمه‌ای طولانی، خواننده را با زمینه‌های زبانی و فرازبانی تولید اثر، آشنا کرده است.

ز) اقلیمی (اقلیمی، ۱۳۷۸) پایان‌نامه‌ای با عنوان تحقیق در مورد ارزیابی ارتباط بین توانایی ترجمه دانشجویان دوره کارشناسی زبان انگلیسی با توان درک مطلب آنها، در دانشگاه علم و صنعت نگاشته است. وی برای این منظور از پنج آزمون، شامل دو قسمت ترجمه (چهارجوابی و تولید) و سه آزمون درک مطلب (چهارجوابی، جای‌خالی، کاربردی-ارتباطی) استفاده کرده است. اقلیمی نخست، برای تعیین توان درک مطلب دانشجویان، سه آزمون درک مطلب را در طول سه هفته پیاپی به آنان داد؛ دو هفته بعد، دانشجویان به دو آزمون ترجمه پاسخ دادند و پس از تصحیح آزمون‌ها و محاسبه نمره‌ها، کارهای آماری بر روی نمره‌ها انجام شد. نتیجه به دست آمده، بیانگر وجود رابطه‌ای مستقیم بین هر سه نوع آزمون درک مطلب با آزمون چهارجوابی ترجمه بود.

بین آزمون کاربردی - ارتباطی درک مطلب و آزمون تولید ترجمه، رابطه‌ای مستقیم وجود داشت؛ ولی میان آزمون‌های چهارجوابی و جای خالی، رابطه‌ای وجود نداشت.

ح) درزمینه ارزیابی ترجمه دانشجویان، حیدری تیریزی (۲۰۰۸) در دانشگاه شیراز، پژوهشی به نام گامی به سوی تدوین چهارجوابی برای ارزیابی ترجمه دانشجویان کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران، انجام داده است. هدف وی از این کار، بررسی چگونگی ارزیابی ترجمه‌های دانشجویان در امتحان‌های پایان ترم رشته مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران، مقایسه آن با شیوه‌های امروزی متداول برای ارزیابی ترجمه در دانشگاه‌های جهان، و درنهایت، پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود کیفیت ارزیابی ترجمه بوده است. بدین منظور، حیدری تیریزی با استفاده از ابزارهای مختلف شامل مصاحبه با مدرسان ترجمه، نظرخواهی از دانشجویان سال آخر کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی از طریق پرسش‌نامه، تحلیل محتوایی نمونه‌هایی از امتحان‌های پایان ترم ترجمه و از سرفصل مصوب رشته، و همچنین شیوه دلفی (نظرخواهی از صاحب‌نظران ترجمه در ایران)، داده‌های مورد نیاز این تحقیق را گرد آورد. طبق یافته‌های حاصل از روش دلفی و مطابق با آخرین شیوه‌های ارزیابی ترجمه در جهان، نویسنده پیشنهاد می‌کند که دانشگاه‌های ایران، تا حد امکان در روش‌های ارزیابی ترجمه تجدید نظر کنند و شیوه کنش - مدار را درپیش گیرند؛ درجهت بهبود روایی و پایایی آزمون‌های موجود، تنها به شیوه فعلی فرآورد - محور اکتفا نشود و در کنار آن، از شیوه‌های فرایند - محور تکوینی نیز بهره گرفته شود؛ مسئله آموزش مدرسان ترجمه و آشنا کردن آنها با شیوه‌های امروزی ارزیابی ترجمه و معیارهای لازم برای بهبود کیفیت ترجمه نیز در دانشگاه‌ها باید مد نظر قرار گیرد.

ط) تحقیق قنسولی (قنسولی، ۱۹۸۹) تلاشی است درجهت بررسی ساخت و نیز پایایی و روایی همزمان آزمون‌های ترجمه. در این پژوهش، از صد دانشجو در دانشگاه تهران، آزمون ترجمه‌ای شامل بیست سؤال چهارجوابی، که خود پژوهشگر آن را طراحی کرده بود، به‌اضافه یک آزمون میشیگان به‌عمل آمد. فرمول kt-21 و ضریب گشتاور حاصل پیرسون، به‌ترتیب برای بررسی پایایی و روایی آزمون به‌کار گرفته شد. نتایج نشان داد که آزمون ترجمه، پایایی زیاد و روایی کمی داشت. روش تحلیل عامل بدین نتیجه انجامید که آزمون ترجمه دو عامل را دربر می‌گیرد:

عامل DP و عامل IN؛ نتایج همچنین نشان داد که آزمون ترجمه چهارجوابی، ظرفیت تبدیل شدن به یک آزمون عینی و پایا را دارد. اگر آزمون‌های ترجمه با نهایت دقت طرح‌ریزی شوند، می‌توان آنها را در تمام دوره‌های ترجمه به کار برد و دیگر در نمره‌گذاری و ارزشیابی، مشکلی باقی نمی‌ماند.

ی) در مطالعه‌ای دیگر، رمزی (رمزی، ۱۹۹۹) کوشیده است دریابد تا چه حد آزمون‌های ترجمه دارای نمره‌گذاری عینی را می‌توان در ارزیابی توانایی دانشجویان ترجمه به کار گرفت. او چهل دانشجوی سال آخر رشته مترجمی دوره کارشناسی در دانشگاه آزاد واحد شمال تهران را برای شرکت در این آزمون انتخاب کرد؛ به‌عنوان پیش‌آزمون، از آنها یک امتحان تافل گرفت تا شرکت‌کنندگان را برحسب میزان توانایی در زبان انگلیسی، همگن کند؛ سپس ضریب همبستگی نمره‌های آنها را در آزمون حاصل ترجمه با آزمون بندشی و آزمون چهارجوابی ترجمه، دو به دو محاسبه کرد. ضریب واقعی گروه‌های نمره‌ها نشان داد که آزمون‌های عینی (چندگزینه‌ای)، از هر دونوع تشخیصی و پیشرفت، می‌توانند مانند آزمون‌های ذهنی (تشریحی) اندازه‌گیری توانایی دانشجویان، معتبر باشند.

ک) درزمینه ارزیابی توانایی ترجمه، رستگار (رستگار، ۱۹۹۹) نیز توانایی ترجمه در دانشجویان سال آخر مترجمی زبان انگلیسی و ارتباط آنها با مهارت زبان انگلیسی را بررسی کرد. او این تحقیق را با یک آزمون تافل برای سنجش توانایی‌های زبان آغاز کرد؛ یک آزمون ترجمه شامل چهار متن انگلیسی کوتاه اطلاعی، که به فارسی ترجمه شده بود، و یک آزمون چهارجوابی دارای ۲۳ پرسش از ۱۶۵ دختر دانشجوی سال آخر مترجمی در مقطع کارشناسی در دانشگاه آزاد اسلامی تهران به‌عمل آورد، درنهایت، دریافت که دانشجویان در انجام عمل ترجمه، بیشتر از تشخیص کیفیت آن موفق‌اند.

ل) گیلانی (گیلانی، ۲۰۰۰) در پایان‌نامه خود، درجه هماهنگی بین روش‌های شمارش بسامدی کلی و گزاره‌ای را در نمره‌گذاری ترجمه بررسی کرده است. وی برای انجام این کار، ترجمه متون سیاسی صد نفر از دانشجویان دختر سال آخر در دوره لیسانس را سه بار تصحیح و نمره‌گذاری کرد؛ اول به‌صورت کلی ازجانب استاد؛ سپس ازسوی محقق و دوباره به‌صورت کلی؛

در مرحله بعد، از سوی محقق و براساس روش شمارش بسامدی گزاره‌ای. یافته‌های تحقیق، یک پایایی بین ارزیابی ۰/۸ و نیز همبستگی مثبت زیاد میان دو روش نمره‌گذاری ترجمه در حدود ۰/۸۳ را نشان داد؛ بنابراین، در این دو روش، هیچ تفاوت چشمگیری میان نمره‌گذاری وجود ندارد. از آنجا که کیفیت ترجمه، امری لازم و در عین حال پیچیده است، با وجود تلاش‌های زیادی که در این زمینه صورت گرفته است، هنوز برای رسیدن به این هدف، معیاری جامع پیشنهاد نشده است؛ بنابراین، در تحقیق حاضر، کوشیده‌ایم کیفیت ترجمه را در نمونه مورد بررسی، براساس الگوی گارسس، که در مقایسه با الگوهای موجود دیگر، نسبتاً جامع‌تر است، ارزیابی کنیم.

۳. روش تحقیق

۳.۱. داده‌های تحقیق (پیکره زبانی مورد بررسی)

متن‌هایی که در این تحقیق، به‌منزله پیکره زبانی، بررسی و مطالعه شده‌اند، چند ترجمه فارسی از رمان انگلیسی شاهزاده و گلد، اثر مارک تواین، نویسنده معروف امریکایی هستند. این کتاب را چندین مترجم به فارسی ترجمه کرده‌اند. در این تحقیق، چهار ترجمه ذیل را از میان آنها بررسی کرده‌ایم: شاهزاده و گلد: ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴)؛ شاهزاده و گلد: ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)؛ شاهزاده و گلد: ترجمه محمد قاضی (۱۳۶۶)؛ شاهزاده و گلد: ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶).

۳.۲. شیوه جمع آوری داده‌ها و انتخاب متن‌ها

نخست شش ترجمه در دسترس از کتاب شاهزاده و گلد را بررسی کردیم؛ پس از مقایسه بخش‌هایی از آنها، دو ترجمه به‌دلیل حذف‌های زیاد و خلاصه‌نویسی، به‌عنوان داده‌های پژوهش حاضر انتخاب نشدند؛ بدین ترتیب، چهار ترجمه باقی‌مانده، داده‌های مطالعه را تشکیل دادند؛ البته یکی از این ترجمه‌ها برگردانی از نسخه خلاصه‌شده کتاب است.

۳.۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

از میان الگوها و چهارچوب‌های متعددی که برای ارزیابی کیفیت ترجمه پیشنهاد شده‌اند، چهارچوب یا الگوی پیشنهادی گارسس را استفاده کردیم. گارسس برای مقایسه شباهت‌های میان متن مبدأ و متن ترجمه شده، چهار سطح را پیشنهاد می‌کند. به گفته او، گاه این سطوح با هم تداخل پیدا می‌کنند. سطوح پیشنهادی گارسس عبارت‌اند از: سطح معنایی - لغوی، سطح نحوی - صرفی، سطح گفتمانی - کارکردی و سطح سبکی - منظورشناختی. هرکدام از این سطوح از اجزایی تشکیل شده‌اند. زیرگروه‌های موجود در سطح معنایی - لغوی عبارت‌اند از: تعریف، معادل فرهنگی (کارکردی)، همانندسازی، بسط نحوی، قبض نحوی (کاهش)، کاربرد واژه خاص به جای واژه عام یا بالعکس، ابهام، ترجمه قرضی (گرفته‌برداری). زیرگروه‌های موجود در سطح صرفی - نحوی عبارت‌اند از: ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر نحو یا صورت، تغییر دیدگاه یا بیان، جبران، توضیح (بسط معنا)، تلویح - تقلیل - حذف، تغییر در نوع جمله. زیرگروه‌های موجود در سطح گفتمانی - کارکردی عبارت‌اند از: حذف منظور نویسنده، حذف حواشی، تغییر به علت اختلاف‌های اجتماعی - فرهنگی، تغییر لحن، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای. زیرگروه‌های موجود در سطح سبکی - منظورشناختی عبارت‌اند از: بسط خلاقه، اشتباه مترجم، حفظ اسم‌های خاص با معادل در متن مقصد، حفظ ساختارهای متن مبدأ، کاربرد اصطلاحات نامناسب در متن مقصد، بسط ساده، تغییر در کاربرد صنایع بلاغی با توجه خاص به استعاره.

در این پژوهش، ترجمه‌های فارسی کتاب *شاهزاده و گدا* را در چهار سطح پیشنهادی الگوی گارسس، بررسی کردیم؛ مقادیر به کار رفته در این سطوح و ارکان و اجزای آنها را محاسبه کردیم و نتایج را به صورت نمودارهای ۱-۴ نشان دادیم.

بر اساس این الگو، فنون متفاوتی که در همه فعالیت‌های ترجمه، به طور مشترک دخیل‌اند، به سه حوزه اصلی تقسیم می‌شوند: افزایش، حفظ و تصرف. در مقایسه حاضر، داده‌ها را از نظر داشتن این ویژگی‌ها نیز بررسی کردیم و نتایج آن را در نمودارهای ۲-۴ نشان دادیم. هرکدام از زیرگروه‌های متعدد ذکر شده در سطوح چهارگانه الگوی گارسس، علاوه بر سه زیرگروه بسط ساده، حذف

قسمتی از متن یا پراگراف، و نارسایی مفهوم معادل‌ها در یکی از سه حوزه یا فن اصلی مشترک (یعنی افزایش، حفظ و تصرف)، در همه متن‌های ترجمه‌شده به‌ویژه متن‌های ادبی قرار می‌گیرند. طبق الگوی گارسس، صنایع بلاغی هم به‌دلیل جایگاه خاص در ادبیات، به‌ویژه در ارزیابی ترجمه‌های متون ادبی باید مد نظر قرار گیرند. در مطالعه حاضر، این ارزیابی را در سه حوزه حفظ، حذف و تغییر انجام دادیم و در نهایت، دریافتیم که کدام ترجمه، صنایع بدیعی را حفظ و کدام حذف می‌کند و کدام آن را تغییر می‌دهد. صنایع بلاغی موردنظر، زیرگروه‌های جملات معترضه، موازنه (ترادف عبارت‌ها)، مقایسه، سؤال‌های بلاغی، تأکید، استعاره، تغییر تدریجی و جمله‌های تعجیبی هستند. در سه حوزه یادشده، این هشت مورد را تحلیل و ارزیابی کرده‌ایم و نتایج را در نمودارهای ۳-۴ نشان داده‌ایم.

در الگوی گارسس، ترجمه‌ها از نظر دو معیار کفایت و مقبولیت نیز باید ارزیابی شوند. جدول‌ها و نمودارهای ۴-۴ چگونگی این تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهند. این دو معیار با استفاده از ویژگی‌های مثبت و منفی معرفی شده در الگوی پیشنهادی، شرایط لازم را برای عرضه کردن ترجمه‌ای مناسب و خوب، هم از لحاظ انطباق با مؤلفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام موردنظر (منافی اناری، ۲۰۰۴) و هم از جهت پذیرفتنی بودن متن ترجمه‌شده در نظام زبانی مقصد (زبان فارسی) و میزان پذیرش از سوی خوانندگان متن مقصد فراهم می‌کنند. در واقع، کفایت و مقبولیت بدین معناست که در اینجا نه تنها در جستجوی دقت و صحت عناصر زبانی هستیم، بلکه تأثیر نظام زبان مبدأ بر زبان مقصد و میزان پذیرش خوانندگان متن مقصد نیز باید مد نظر قرار گیرد؛ از این رو، برای تعیین کیفیت ترجمه‌ها، جنبه‌ها یا ویژگی‌های جدیدی را، اعم از مثبت و منفی، در نظر می‌گیریم. ویژگی‌های مثبت، از این لحاظ درخور توجه‌اند که کیفیت ترجمه را بالا می‌برند؛ مثلاً وجود زیرگروه بسط نحوی در ترجمه، عاملی مثبت و در بالا بردن کیفیت ترجمه مؤثر است؛ ویژگی‌های منفی نیز از این لحاظ مهم‌اند که کیفیت ترجمه را پایین می‌آورند؛ مثلاً وجود زیرگروه ترجمه تحت‌اللفظی در ترجمه، عاملی منفی به حساب می‌آید و از کیفیت ترجمه می‌کاهد. هر یک از این ویژگی‌ها دارای زیرگروه‌هایی هستند. طبق الگوی گارسس، شیوه تقسیم‌بندی زیرگروه‌ها با عنوان ویژگی‌های مثبت و منفی را، که بیانگر

کیفیت در هر یک از سطوح است، در جدول ۱-۳-۳ نشان داده‌ایم. در این تحقیق، با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی، تعدادی از زیرگروه‌ها را در ستون ویژگی‌های مثبت و تعدادی از زیرگروه‌های دیگر را در ستون ویژگی‌های منفی قرار داده‌ایم (به جدول ۳.۳.۱ مراجعه شود).

جدول ۱.۳.۳: ویژگی‌های مثبت و منفی بیاتگر کیفیت در الگوی گارسس (۱۹۹۴)

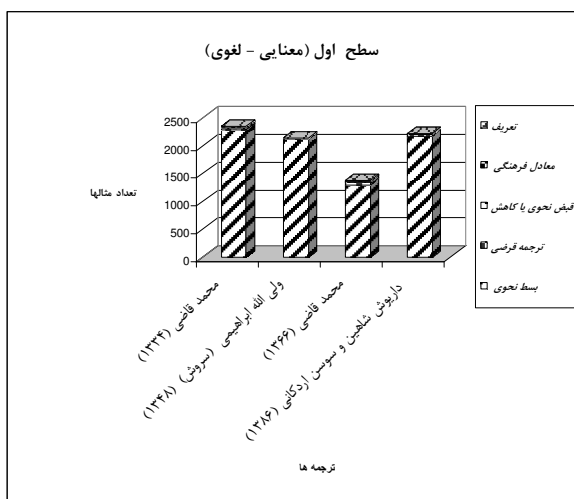
ویژگی‌های مثبت	ویژگی‌های منفی
معادل فرهنگی	ابهام
همانندسازی	ترجمه قرضی (گرت‌برداری)
بسط نحوی	ساده کردن
جبران	ترجمه تحت‌اللفظی
تغییر نحو یا صورت	نارسایی در مفهوم معادل‌ها
تغییر دیدگاه یا بیان	تغییر لحن
توضیح	تغییر در ساختار درونی متن مبدأ
حذف	تصرف
تغییر به‌علت تفاوت‌های	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای
اجتماعی-فرهنگی	قبض نحوی یا کاهش
تغییر در نوع جمله	حفظ ساختارهای متن مبدأ
حفظ اسم‌های خاص با معادل در	بسط خلاقه
متن مقصد	بسط ساده
تعریف	اشتباه مترجم
حفظ صنایع بلاغی	حذف صنایع بلاغی
	تغییر در صنایع بلاغی

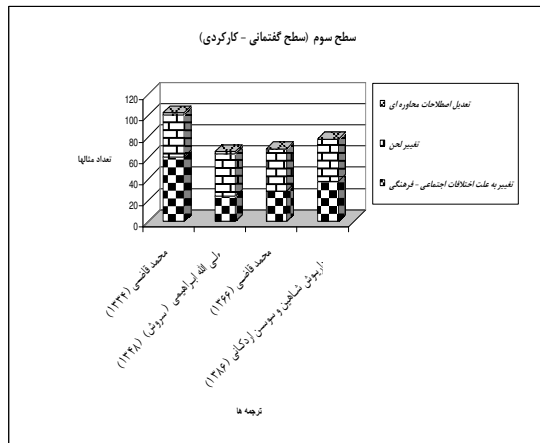
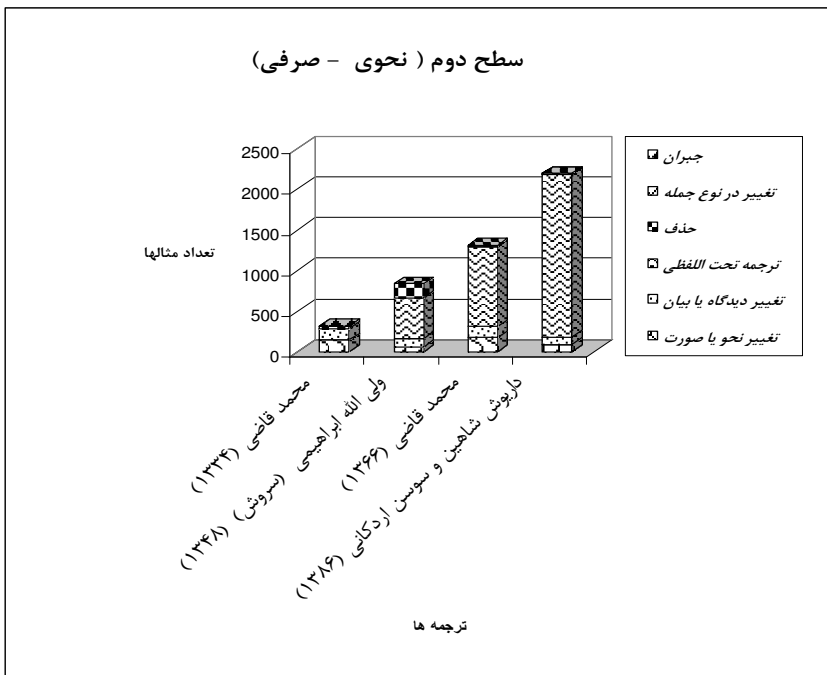
بعد از ارزیابی متن‌های ترجمه‌شده، نتایج به‌دست آمده، به‌صورت جدول‌ها و نمودارهای خاص نمایش داده می‌شوند. نمودارهای ۴.۱، ۴.۲، ۴.۳ و ۴.۴ در بخش نتایج، چگونگی این تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهند.

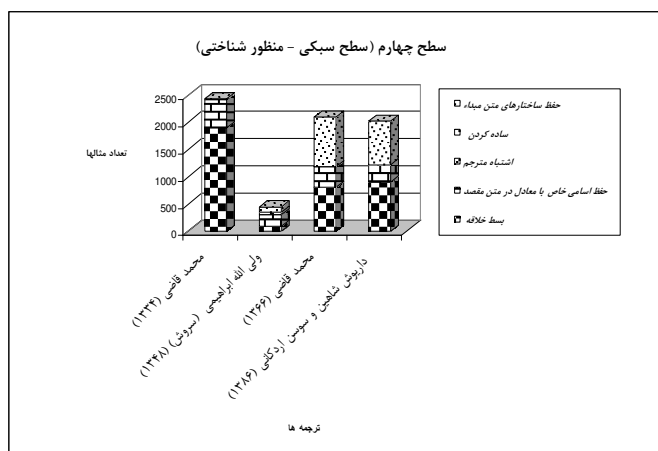
۴. نتایج

نمودارهای ۱.۴، ۲.۴، ۳.۴ و ۴.۴ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها را نشان می‌دهند. در ابتدا، نمودارهای (۴.۱) مربوط به شیوه ارزیابی متن‌های ترجمه‌شده را براساس سطوح چهارگانه الگوی گارسس نشان می‌دهیم و بررسی می‌کنیم.

نمودارهای ۱.۴: سطوح چهارگانه الگوی گارسس





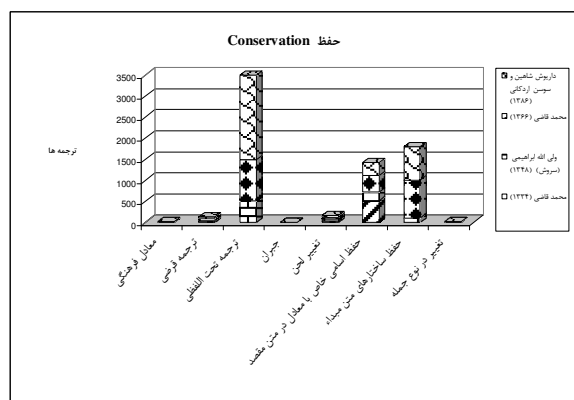
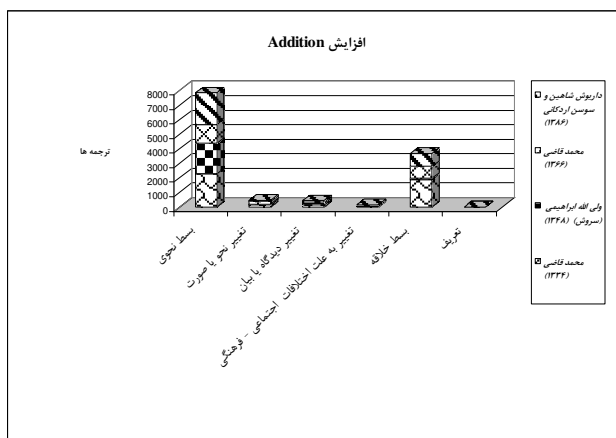


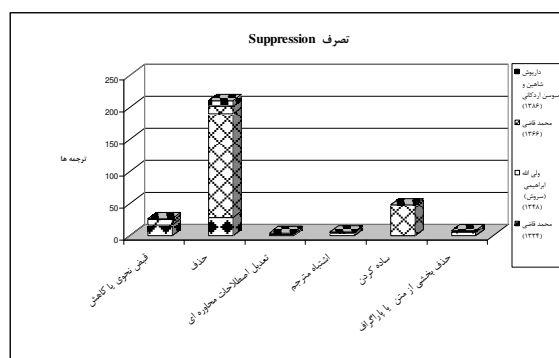
در سطح معنایی - لغوی، ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴) بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است و بعد از آن، به ترتیب ترجمه‌های داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و ولی الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) از ارقام بالایی برخوردارند؛ از سوی دیگر، ترجمه دوم محمد قاضی (۱۳۶۶) در مقایسه با بقیه ترجمه‌ها در این سطح، کمترین میزان را نشان می‌دهد. در ارزیابی سطح نحوی - صرفی نیز به ترتیب، ترجمه‌های داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و محمد قاضی (۱۳۶۶)، بیشترین مقادیر را به خود اختصاص می‌دهند. در این سطح، از لحاظ برتری، ترجمه‌های ولی الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) و محمد قاضی (۱۳۳۴) در ردیف سوم و چهارم قرار دارند. سطح گفتمانی - کارکردی که روابط بین فرهنگی و بین‌زبانی متن‌های مبدأ و مقصد را نشان می‌دهد، ابتدا با ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴)، بعد داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، محمد قاضی (۱۳۶۶) و ولی الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) میزان برتری خود را آشکار می‌کند. در سطح سبکی - منظورشناختی، از لحاظ مقدار، محمد قاضی (۱۳۳۴) اولویت دارد و ترجمه‌های دیگر، یعنی

محمد قاضی (۱۳۶۶)، داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و ولی الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) مقادیر و درجات کمتری دارند.

هم‌اکنون، نمودارهای (۴.۲) مربوط به شیوه ارزیابی متن‌های ترجمه‌شده برای سه حوزه، یا فن اصلی مشترک در همه ترجمه‌ها (افزایش، حفظ و تصرف) به‌ویژه متون ادبی ترجمه‌شده ارائه و بررسی می‌شوند:

نمودارهای ۲.۴: سه حوزه اصلی مشترک در همه ترجمه‌ها

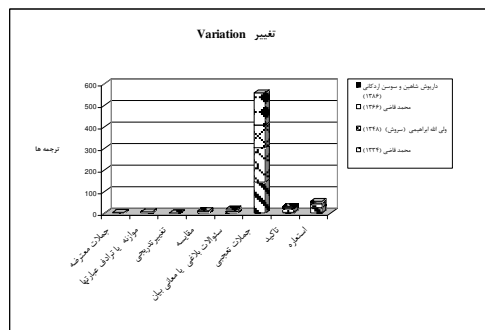
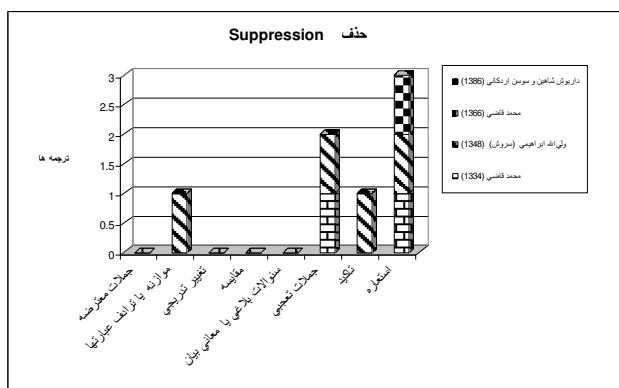
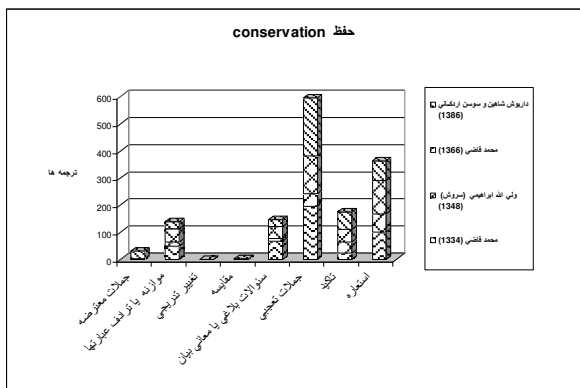




در حوزه افزایش، ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) اطلاعات بیشتری به ما می‌دهند؛ ازسوی دیگر، ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۶۶) و ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)، در مقایسه با دو ترجمه دیگر، مقادیر کمتری دارند. در حوزه حفظ، ترجمه‌های داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و محمد قاضی (۱۳۶۶)، به زبان مبدأ بیشتر وفادارند. در ترجمه‌های ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) و قاضی (۱۳۳۴)، میزان حفظ و وفاداری کمتر است. در حوزه یا قلمرو تصرف، می‌توان گفت ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) اطلاعات بیشتری را حذف می‌کند. در ترجمه‌های دیگر، یعنی ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴)، محمد قاضی (۱۳۶۶) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) به ترتیب حذف کمتری صورت گرفته است.

در این بخش، نمودارهای (۴.۳) مربوط به تجزیه و تحلیل صنایع بلاغی موجود در متون ادبی ترجمه‌شده معرفی و بررسی می‌شوند.

نمودارهای ۳.۴: صنایع بلاغی موجود در متون ادبی ترجمه‌شده



نمودارهای (۳.۴) در سه حوزه حفظ، حذف و تغییر، اطلاعات ذیل را به ما می دهند:

در حوزه حفظ، ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴)، داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و محمد قاضی (۱۳۶۶) نمونه‌هایی هستند که در بیشتر موارد، صنایع بلاغی را حفظ کرده‌اند؛ ولی ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) از این لحاظ، برعکس این ترجمه‌هاست. در بخش حذف، میزان برتری‌های به‌دست آمده در این حوزه، از لحاظ ترتیب و چگونگی قرار گرفتن عبارت است از: ترجمه‌های ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)، محمد قاضی (۱۳۳۴) و محمد قاضی (۱۳۶۶). گفتنی است که مقادیر به‌دست آمده برای این حوزه، بسیار ناچیز است. درحوزه حذف، در ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، موردی دیده نشد. در بخش تغییر، ترجمه‌های ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)، محمد قاضی (۱۳۳۴) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، در مقایسه با ترجمه دوم محمد قاضی (۱۳۶۶) از مقادیر بیشتری برخوردارند.

درنهایت، جدول‌ها و نمودارهای (۴.۴) درباره شیوه ارزیابی کیفیت ترجمه‌ها براساس دو معیار کفایت و مقبولیت (با در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت و منفی) ارائه و بررسی می‌شوند:

۴.۴. جدول‌های داده‌ها و مقادیر تعیین‌کننده کیفیت ترجمه‌ها براساس دو معیار

کفایت و مقبولیت

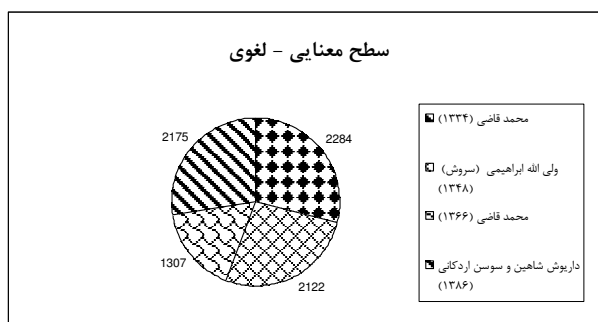
الف) جدول جنبه‌ها یا ویژگی‌های مثبت

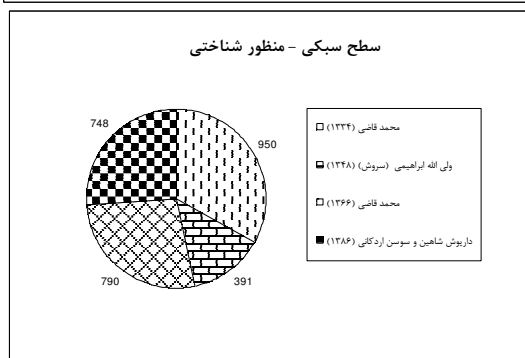
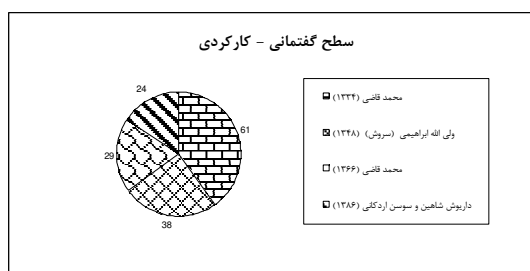
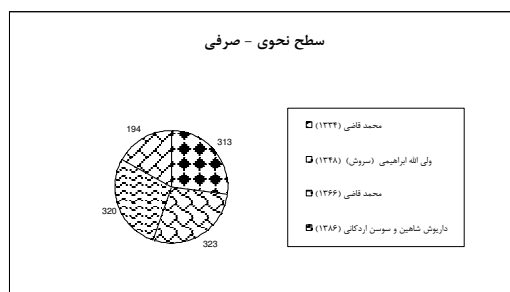
زیرگروه‌ها	محمد قاضی (۱۳۳۴)	ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)	محمد قاضی (۱۳۶۶)	داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)
سطح اول معادل فرهنگی	۷	۲	۸	۴
بسط نحوی تعریف	۲۲۷۷	۲۱۱۹	۱۲۹۸	۲۱۷۰
سطح دوم تغییر نحو یا صورت	۱۴۴	۶۴	۱۷۴	۹۱

تغییر دیدگاه یا بیان	۱۳۲	۹۷	۱۳۲	۹۳
حذف	۲۸	۱۶۲	۱۱	۹
جبران	۱	۰	۰	۰
تغییر در نوع جمله	۸	۰	۳	۱
سطح سوم تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی	۶۱	۳۸	۲۹	۲۴
سطح چهارم حفظ صنایع بلاغی حفظ اسامی خاص با معادل در متن مقصد	۴۳۵	۱۸۳	۴۰۴	۴۲۹
	۵۱۵	۲۰۸	۳۸۶	۳۱۹

نمودارهای ۴.۴. کیفیت ترجمه‌ها براساس دو معیار کفایت و مقبولیت

الف) نمودارهای جنبه‌ها یا ویژگی‌های مثبت





جنبه‌ها یا ویژگی‌های مثبت آنهایی هستند که کیفیت ترجمه را بالا می‌برند. در سطح معنایی - لغوی، میزان اولویت و برتری ترجمه‌ها بدین صورت است: ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴)، داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، ولی‌الله ابراهیمی (۱۳۴۸) و محمد قاضی (۱۳۶۶).

در سطح نحوی - صرفی، مقادیر به دست آمده، نشان‌دهنده ترتیب ترجمه‌ها بدین صورت است: ترجمه‌های ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)، محمد قاضی (۱۳۶۶)، محمد قاضی (۱۳۳۴) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶).

در سطح گفتمانی - کارکردی، ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴)، ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)، محمد قاضی (۱۳۶۶) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶).

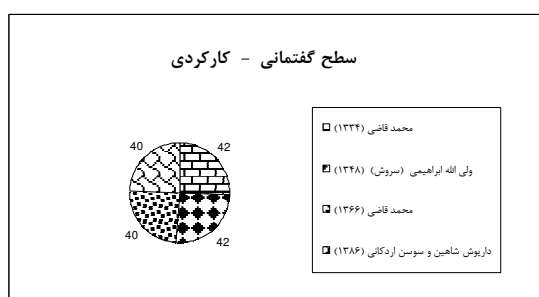
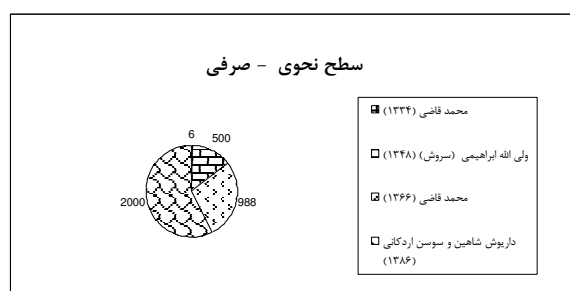
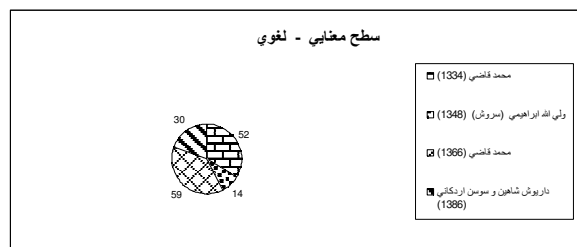
در سطح سبکی - منظورشناختی، بالاترین مقادیر به ترتیب مربوط به ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴)، محمد قاضی (۱۳۶۶)، داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و درنهایت، ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) است.

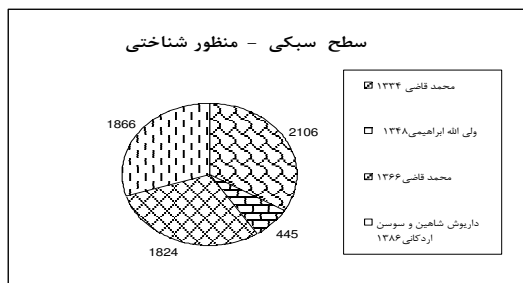
ب) جدول جنبه‌ها یا ویژگی‌های منفی

زیرگروه‌ها	محمد قاضی (۱۳۳۴)	ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)	محمد قاضی (۱۳۶۶)	داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)
سطح اول ترجمه قرضی قبض نحوی	۳۶ ۱۶	۱۴ ۰	۵۰ ۹	۲۹ ۱
سطح دوم ترجمه تحت‌اللفظی	۶	۵۰۰	۹۸۸	۲۰۰۰
سطح سوم تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای تغییر لحن	۲ ۴۰	۲ ۴۰	۰ ۴۰	۰ ۴۰
سطح چهارم ساده کردن اشتباه مترجم	۰ ۴	۴۸ ۱	۰ ۰	۰ ۰

حفظ ساختارهای متن مبدأ	۶	۱۰۰	۹۰۰	۸۰۰
حذف صنایع بلاغی	۲	۳	۱	۰
تغییر در صنایع بلاغی	۱۹۴	۲۰۳	۱۲۳	۱۶۶
بسط خلاقه	۱۹۰۰	۹۰	۸۰۰	۹۰۰

ب- نمودارهای جنبه‌ها یا ویژگی‌های منفی





جنبه‌ها یا ویژگی‌های منفی آنهایی هستند که کیفیت ترجمه را پایین می‌آورند. در سطح معنایی- لغوی، ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴) و (۱۳۶۶) بیشترین مقدار را دارا هستند؛ ترجمه‌های داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) و ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) به ترتیب در مقام سوم و چهارم قرار دارند. در سطح نحوی- صرفی بین مقادیر به‌دست آمده از ترجمه‌ها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد؛ ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶) بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است و بعد از آن، به ترتیب ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۶۶)، ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) و محمد قاضی (۱۳۳۴) قرار می‌گیرند. در سطح گفتمانی- کارکردی، ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴) و ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) مقادیر اندک و یکسانی دارند. در ترجمه‌های دیگر، یعنی ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۶۶) و داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، نیز مقادیر مشابه و اندک است؛ در هر حال، دو ترجمه اول، یعنی ترجمه‌های محمد قاضی (۱۳۳۴) و ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) با اندکی اختلاف، از مقادیر بالاتری برخوردارند. در سطح سبکی- منظورشناختی، نخست، ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴) در مقایسه با بقیه ترجمه‌ها از مقدار بیشتری برخوردار است؛ سپس به ترتیب ترجمه‌های داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)، محمد قاضی (۱۳۶۶) و سرانجام ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸) قرار می‌گیرند.

۴.۵. نمونه‌هایی برای هریک از زیرگروه‌های موجود در تحقیق، برپایه الگوی گارسس (۱۹۹۴)

الف) بسط نحوی

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

In the ancient city of London/ on a certain autumn day in the second quarter of the sixteenth century / a boy was born to a poor family of the name of Cauty / who did not want him.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱، ص ۱۰:

-در یکی از روزهای پاییز، در ربع دوم قرن شانزدهم و در قلب شهر کهنسال لندن، در یکی از خانواده‌های فقیر شهر موسوم به کانتی، پسری به جهان آمد که اگر از حال خود آگاه می‌بود، می‌گفت: مرا ای کاشکی مادر نزادی.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱، ص ۵:

-در شهر قدیمی لندن، در یکی از روزهای پاییز و در نیمه دوم قرن شانزدهم، در خانواده‌ای فقیر که به نام کانتی بود، پسری به دنیا آمد که پدر و مادرش مایل بدو نبودند.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱، ص ۱۰:

-در شهر کهنسال لندن، در یکی از روزهای پاییز و در ربع دوم قرن شانزدهم، در خانواده فقیری موسوم به کانتی پسری به جهان آمد که پدر و مادرش خواستار آمدن او نبودند.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۱، ص ۱۵:

-در شهر قدیمی لندن، در یک روز پاییز واقعی و در ربع دوم قرن شانزدهم، در خانواده بینوایی به نام کانتی، پسری به دنیا آمد که پدر و مادرش این فرزند را نمی‌خواستند.

توضیح: ترجمه‌های دوم و سوم و چهارم، تحت‌اللفظی هستند و ترجمه اول، از نوع آزاد است.

ب) ترجمه تحت‌اللفظی

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

On the same day another English child was born to a rich family of the name of Tudor / who did want him.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱، ص ۱۰:

-در همان روز، نوزاد انگلیسی دیگری که همه با بی‌صبری تمام، انتظار قدوم شریفش را می‌کشیدند، از خانواده سلطنتی تودور به وجود آمد.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱، ص ۵:

-در همان روز، نوزاد دیگری در یک خانواده ثروتمند انگلیسی موسوم به تودور دیده به جهان گشود که پدر و مادرش او را صمیمانه دوست داشتند.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱، ص ۱۰:

-در همان روز، نوزاد انگلیسی دیگری از خانواده ثروتمندی موسوم به تودور پا به عرصه وجود نهاد که پدر و مادرش قبلاً خواستار او بودند.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۱، ص ۱۵:

-درست در همان روز، در خانواده یک ثروتمند انگلیسی به نام تودور نوزادی متولد شد که پدر و مادرش با تمام وجود خواهان فرزندی بودند.

ج) تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی: (استفاده از اسمی که بیانگر نوع است)

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

The royal barge / attended by its gorgeous fleet/ took its stately way down the Thames through the wilderness of illuminated boats.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۱، ص ۸۰:

-کشتی سلطنتی در حالی که به دنبالش یک دسته قایق نورانی حرکت می‌کرد، در میان دو صف از کشتی‌های پرنور در مسیر رودخانه تایمز پیش می‌آمد.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱۱، ص ۷۰:

-قایق سلطنتی در حالی که چند کشتی بزرگ و باشکوه آن را همراهی می‌کردند، در رودخانه تایمز پیش می‌رفت...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۱، ص ۷۹:

-قایق سلطنتی در حالی که کشتی‌های بزرگ و مجلل دیگر همراهی‌اش می‌کردند، راه خود را در طول رودخانه تایمز پیش گرفت و از میان جمعی از قایق‌های مزین نورانی گذر کرد.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۱۱، ص ۱۰۷:

-قایق سلطنتی در حالی که کشتی‌های آذین‌بسته دیگر به دنبالش می‌آمدند، راه خود را در طول رودخانه تایمز ادامه داد و از میان قایق‌های نورانی دیگر گذشت.

(د) بسط خلاقه

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

After which / he would go forth in his rags and beg a few farthings / eat his poor crust /take his customary cuffs and abuse / and then stretch himself upon his handful of foul straws / and resume his empty grandeurs in his dreams.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۲، ص ۱۷:

-پس از پایان این صحنه‌های پنداری و رؤیاآمیز، توم همچنان با لباس ژنده و پاره‌ای که در تن داشت، گدایی و دربوزگی را از سر می‌گرفت و قرص نان خشکیده خود را می‌خورد و کتک مقرر را از دست پدر و مادر بزرگ، نوش جان می‌کرد و شبانگاه بر همان حصیر کهنه و پوسیده دراز می‌کشید و به رؤیاهای شیرین و دور و دراز خود فرومی‌رفت.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۲، ص ۱۳:

-سپس با همان لباس‌های پاره و ژنده خویش پی‌گدایی می‌رفت و قرص نان خشکیده‌ای می‌خورد و بعد از کتک زدن بر حصیر خویش دراز می‌کشید و دوباره رؤیاهای طلایی و باشکوه خود را از سر می‌گرفت.

محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۲، ص ۱۶:

-پس از آن با همان لباس ژنده مندرس، پی‌کار خود می‌رفت و چند دینار گدایی می‌کرد و قرص نان خشکیده خود را می‌خورد و کتک مقرر را در خانه نوش جان می‌کرد و آن‌گاه بر پاره‌حصیر خودش دراز می‌کشید و جاه و جمال رؤیایی خود را در افکار و خیالات خوش شب از سر می‌گرفت.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۲، ص ۲۳:

-سپس با همان لباس پاره، برای گدایی راه می‌افتاد و تکه‌نانی پیدا می‌کرد و می‌جوید و به‌طور مقرر در خانه کتک می‌خورد و ناسزا می‌شنید. بعد هم روی بوریای پاره خود دراز می‌کشید و در رؤیاهای و خیالات دور و دراز و شیرین شبانه فرومی‌رفت.

ه) حفظ اسم‌های خاص با معادل در متن مقصد

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

Tom stammered a moment / in a pathetic confusion / then got it out --

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۳۲، ص ۲۴۰:

-بیچاره توم چندین بار دهن گشود که چیزی بگوید؛ ولی هر بار از خجلت و شرمساری حرفی که بر زبان داشت، دم نزد.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۳۲، ص ۱۹۹:

-توم شرمسار و خجلت‌زده سر به زیر افکند و حرفی نزد...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۳۲، ص ۲۵۲:

-بیچاره توم چندین بار دهن گشود که چیزی بگوید؛ ولی هر بار از خجلت و شرمساری حرفی که بر زبان داشت، دم نزد.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۳۲، ص ۳۴۸:

-تام یک لحظه به قدری دست‌پاچه شده بود که دل همه به حالش سوخت.

و) تغییر دیدگاه یا بیان: (بیان معلوم به جای مجهول)

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

The beams were painted red or blue or black according to the owner's taste /and this gave the houses a very picturesque look.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۲، ص ۱۲:

-صاحبان خانه‌ها برحسب سلیقه و ذوق خود این الوارها را به‌رنگ سرخ یا آبی یا سیاه رنگ

می‌کردند و بدینوسیله به نمای ظاهری خانه خود منظره جالب و باشکوهی می‌دادند.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۲، ص ۸:

-صاحب خانه‌ها بنا به سلیقه خود این تیرها را به رنگ سرخ و آبی و سیاه رنگ آمیزی کرده بودند و این رنگ آمیزی، منظره قشنگی به ساختمان‌ها می‌داد.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۲، ص ۱۲:

-تیرها را بسته به سلیقه صاحبان خانه، به الوان سرخ و آبی و سیاه، رنگ می‌کردند، و این نقاشی، منظره جالب و قشنگی به ظاهر بناها می‌داد. پنجره‌ها همه کوچک بود، و شیشه‌های لوزی شکل آن مانند در، بر روی لولا می‌چرخید.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۶۶، فصل ۲، ص ۱۷:

-این تیرک‌ها را بنا به سلیقه مالکان خانه، به رنگ‌های سرخ و آبی و سیاه رنگ می‌کردند و همین نقاشی‌ها جلوه زیبایی به بناها می‌داد.

توضیح: در هر چهار ترجمه، ویژگی تغییر دیدگاه و بیان معلوم به جای مجهول در ترجمه از انگلیسی به فارسی دیده می‌شود.

(ز) حذف

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

The higher the houses grew / the broader they grew.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۲، ص ۱۲:

... و طبقات بالاتر به طرف خیابان پیشرفتگی داشت.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۲، ص ۱۰:

-این جمله در ترجمه فارسی حذف شده است.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۲، ص ۱۲:

... و هرچه خانه‌ها بالاتر می‌رفتند، به همان نسبت بر عرضشان افزوده می‌شد.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۲، ص ۱۷:

... و خانه‌ها هرچه طبقات بالاتر می‌رفت، پیش آمده‌تر می‌شد.

توضیح: در ترجمه دوم، این جمله حذف شده است.

ح) تغییر لحن

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

"Good lads / say to your master that Edward Prince of Wales desireth speech With him."

A great shout went up at this/ and one rude fellow said—

"Marry / art thou his grace's messenger / begger ? "

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۴، ص ۳۲:

«دوستان عزیز! بروید به معلمتان بگویید که ادوارد، شاهزاده گال می خواهد با او صحبت کند، بی زحمت اینجا بیاید.» به شنیدن این سخن، فریاد مسخره آمیز کودکان، صحن کلیسا را به لرزه درآورد. یکی از بچه ها که از همه جسورتر بود، پیش آمد و از شاهزاده پرسید: «والاحضرت شاهزاده گال، تو گدای کثیف را برای ابلاغ دستورهای خود انتخاب کرده است؟»

ترجمه ولی الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۴، ص ۳۰:

«کودکان عزیز! بروید و به معلم خود بگویید شاهزاده ادوارد ولیعهد انگلستان پیامی دارد! از این سخن، شور و غلغله ای در میان کودکان افتاد و یکی از آنان که بی ادب بود، گفت: آیا گدایی چون تو پیام آور شاهزاده است؟»

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۴، ص ۳۰:

«ای بچه های مهربان! به معلم خود بگویید که ادوارد، ولیعهد انگلستان می خواهد با تو صحبت کند.»

از این سخن مهمه و جنجالی در کودکان افتاد و پسری خشن و بی ادب گفت:

«تو گدا پیغام آور والاحضرت هستی؟»

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۴، ص ۴۱:

«بچه های خوب! به معلم خود بگویید که ادوارد شاهزاده ویلز می خواهد با تو صحبت کند. از این حرف بچه ها زدند زیر خنده و جار و جنجالی راه افتاد و یکی از بچه های پررو گفت:

- بینم، تو بچه گدا از طرف ولیعهد پیغام آورده‌ای؟
(ط) استعاره

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

One summer's day he saw poor Anne Askew and three men burned at the staked in Smithfield / and heard an ex-Bishop preach a sermon to them which did not interest him.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۲، ص ۱۶:

- «حتی یک روز تابستان، توم تماشاچی صفحه‌عجیبی شد؛ یعنی به چشم خود جلاد را دید که در میدان سمیتفیلد، آتش عظیمی افروخته و آن اسکیوی بدبخت و سه نفر محکوم دیگر را می‌سوزاند.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۲، ص ۱۲:

- توم در یکی از روزهای تابستان، آن آسکیور مفلوک را دید که به اتفاق سه مرد دیگر در میدان اسمیت فیلد، زنده‌زنده در آتش انداخته شدند...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۲، ص ۱۵:

- توم در یکی از روزهای تابستان، آن اسکیوی بینوا را دید که به اتفاق سه مرد، در میدان اسمیتفیلد زنده‌زنده در آتش انداخته شدند...

داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۲، ص ۲۲:

- تام در یکی از روزهای تابستان، آن اسکیوی بینوا را دید که همراه با سه مرد در میدان اسمیت فیلد، زنده در آتش انداخته شد...

ك) حذف صنایع بلاغی

موازنه یا ترادف عبارت‌ها

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

..She talked about mills, and about weavers, tinkers, smiths, trades and tradesmen of all sorts and .../

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۹، ص ۱۵۷:

-بعد، از حرفه‌های متنوع و مختلف صحبت کرد.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱۹، ص ۱۲۹:

- این جمله حذف شده است.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۹، ص ۱۶۳:

-بعد، از حرفه‌های متنوع و مختلف صحبت کرد.

ترجمه داریوش شاهین، ۱۳۸۶، فصل ۱۹، ص ۲۱۹:

-سپس حرف بافنده‌ها، رویگرها، آهنگرها، بازرگانان و بازرگانان را به میان کشید.

توضیح: در ترجمه چهارم، موازنه به وضوح دیده می‌شود.

ل) جملات تعجبی

متن انگلیسی رمان شاهزاده وگدا:

"Dear heart /he should have been born a king!" muttered Hendon / admiringly/" he playeth the part to a marvel."

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۳، ص ۹۸:

-مایلز هندن با تحسین و تعجب به قیافه خواب‌رفته او نگریست و با خود گفت:

"چه بچه صاف و صادقی است! ... حیف که پادشاه واقعی نیست! ... راستی چه خوب نقش

پادشاه را بازی می‌کند!...

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱۳، ص ۸۴:

-هندن نجواکنان گفت:

این پسرک به راستی که از شاهزادگان است. چه خوب می‌تواند نقش آنها را بازی کند!

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۳، ص ۱۰۰:

-هندن زمزمه کنان گفت:

"پسرک نازنین! حقا که از مادر شاهزاده به دنیا آمده است! راستی که چه خوب نقش خود را

بازی می‌کند!"

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۱۳، ص ۱۳۶:

-هندن با تحسین و ستایش به خود گفت:

پسر نازنین! باید شاه به دنیا می‌آمد! خیلی عالی نقش خود را بازی می‌کند.

(م) معادل فرهنگی

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

There be punch-and-Judy shows /and monkey -- oh such antic creatures!

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۳، ص ۲۶:

-در محله ما نمایش خیمه شب بازی، لولیانی که میمون‌های تربیت شده دارند، وجود دارد.

راستی چه میمون‌های مضحک و عجیبی!

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۳، ص ۲۳:

-آنجا نمایش‌های متعدد خیمه شب بازی و میمون است. راستی این میمون‌ها چه حیوانات مرموزی

هستند و ...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۳، ص ۲۵:

-آنجا نمایش‌های تئاتر و خیمه شب بازی و میمون هست. واقعاً که این میمون‌ها چه حیوانات

عجیبی هستند و ...

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۳، ص ۳۴:

-آنجا نمایش‌های تئاتر و خیمه شب بازی و میمون بازی هست. به راستی که این میمون‌ها چه

موجودات عجیب و غریب و مسخره‌ای هستند!

توضیح: در هر چهار ترجمه، مسئله معادل فرهنگی برای واژه Punch-and Judy Shows

and monkey رعایت شده است.

(ن) تغییر در نوع جمله

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

... A boy was born to a poor family of the name of Canty / who did not want him.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱، ص ۱۰:

-پسری به جهان آمد که اگر از حال خود آگاه می‌بود، می‌گفت: مرا ای کاشکی مادر نزادی.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱، ص ۵:

-... پسری به جهان آمد که پدر و مادرش مایل بدو نبودند.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱، ص ۱۰:

-...پسری به جهان آمد که پدر و مادرش خواستار آمدن او نبودند.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۱، ص ۱۵:

-... پسری به دنیا آمد که پدر و مادرش این فرزند را نمی‌خواستند.

(س) حفظ صنایع بلاغی: برای این زیرگروه، دو مثال (از صنایع بلاغی) ذکر می‌کنیم:

س.۱. تأکید

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

... / " But I cannot give him up--oh no / I can not / I cannot--he MUST be my boy!"

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۰، ص ۷۵:

-«خیر، خیر، این پسر من است، خودش است. باید هم باشد باید حتماً پسر من باشد!...»

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱۰، ص ۶۶:

-«نه من نمی‌توانم که از فرزندم دست بردارم. حتماً این پسر من است!»

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۰، ص ۷۴:

«با این همه، من نمی‌توانم از پسر خود دست بردارم، خیر، نمی‌توانم، نمی‌توانم! و باید پسر من

باشد»/

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۱۰، ص ۱۰۰:

-با این همه، من نمی‌توانم دست از پسر بردارم. نه، نمی‌توانم... نمی‌شود... او باید پسر من باشد.

س.۲. سؤال‌های بلاغی (معانی و بیان):

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

What would the boy naturally do?

Where would he naturally go?

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۳۲، ص ۲۴۱:

«خوب است بنشینم و فکر کنم. باید دید که غریزه چگونه حکم می‌کند و این پسرک را به کجا می‌کشاند؟»

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۳۲، ص ۲۰۱:

«من باید بنشینم و فکر کنم که غریزه او چگونه حکم می‌کند و او را به کجا می‌کشاند؟»

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۳۲، ص ۲۵۳:

«خوب است بنشینم و فکر کنم. باید دید که غریزه چگونه حکم می‌کند و این پسرک را به کجا می‌کشاند؟»

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۳۲، ص ۳۴۹:

«از خود پرسید که به‌طور طبیعی، این پسرچه خواهد کرد؟ به‌طور طبیعی، او به کجا خواهد رفت.»

(ع) ترجمه قرضی (گرت‌برداری)

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

When he came home empty-handed at night / ...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۲، ص ۱۴:

«توم می‌دانست که هر روز در هنگام غروب، وقتی با دست خالی به خانه مراجعت کند ...»

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۲، ص ۱۰:

«توم می‌دانست که اگر شب‌ها دست خالی به خانه بازگردد...»

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۲، ص ۱۴:

«توم می‌دانست که هر وقت شب‌ها با دست خالی به خانه بازگردد...»

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۲، ص ۱۹:

«تام می‌دانست که هر زمان شب‌ها با دست خالی به خانه بازگردد...»

توضیح: در هر چهار ترجمه، ویژگی ترجمه قرضی (گرت‌برداری) و معادلی برای واژه

empty-handed دیده می‌شود.

ف) تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

... No ! by book and bell / NOT lost !

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۳، ص ۱۰۲:

-طفلك مجنون!... راستی حیف شد که از دستم رفت. چقدر انس و علاقه نسبت به او پیدا کرده بودم.

ترجمه ولی الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۱۳، ص ۸۷-۸۸:

-اما نه، به تمام مقدسات که من تو را از دست نداده‌ام. من همه جا را به دنبال تو خواهم گشت.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۳، ص ۱۰۵:

-خیر خیر، به خدا و به آسمان‌ها سوگند که من تو را از دست نداده‌ام...

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، فصل ۱۳، ص ۱۴۰:

-اما نه نه... به کتاب مقدس قسم که هنوز هم من تو را از دست نداده‌ام...

توضیح: در ترجمه اول، اصطلاح محاوره‌ای «به تمام مقدسات» (by book and bell)،

حذف شده است.

ص) تغییر در صنایع بلاغی

مقایسه:

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

"Know'st thou the Latin?"

"But scantly / sir / I doubt ."

"Learn it / lad: tis hard only at first. The Greek is harder / but ... "

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۳، ص ۲۶:

-زبان لاتین هم می‌دانی؟

-خیر قربان، فقط چند کلمه می‌دانم.

-خیلی خوب، لاتین را یاد بگیر، این کار فقط در ابتدا مشکل است؛ ولی بعد آسان می‌شود.

ترجمه ولی الله ابراهیمی (سروش)، ۱۳۴۸، فصل ۳، صص ۲۲-۲۳:

-با زبان لاتین آشنایی داری؟

-تصور می‌کنم کمی بدانم.

-سعی کن که لاتین را بیاموزی؛ هرچند که در اوایل، قدری قابل فهم نیست؛ البته زبان یونانی مشکل تر است.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۳، ص ۲۴:

-«زبان لاتین می‌دانی؟»

-«گمان می‌کنم مختصری بدانم.»

-لاتین را یاد بگیر. این زبان از ابتدا قدری مشکل است. زبان یونانی مشکل تر از لاتین است.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۳، ص ۳۴:

-زبان لاتین می‌دانی؟

-فکر کنم کمی بدانم.

-سعی کن لاتین را یاد بگیری. اولش مشکل است؛ اما زبان یونانی از لاتین سخت تر است.

توضیح: جز ترجمه اول، در بقیه ترجمه‌ها ویژگی مقایسه وجود دارد.

ق) تعریف

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

And after them came a knight/ then the...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۱، ص ۸۲:

-این جمله حذف شده است.

ترجمه ولی الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۱۱، ص ۷۱:

-بعد از آن، یکی از نجیب‌زادگان نیز به میدان آمد و ...

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۱، ص ۸۱:

-بعد از ایشان، یکی از نجیب‌زادگان پهلوان (شوالیه) آمد.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۱۱، ص ۱۱۰:

-پشت سر آنها یکی از نجیب‌زادگان پهلوان داخل شد.

ر) تغییر نحو یا صورت (تبدیل گروه یا عبارت به بند یا جمله‌واره)
متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

"... Troublous dreams/ troublous dreams!

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۸، ص ۶۲:

- "آخر این چه وضعی است؟.. من باید همیشه خواب پریشان بینم، رؤیا بینم؟

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۸، ص ۵۷:

- آه که دچار چه کابوس‌های وحشتناکی شده بودم!

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۸، ص ۵۹:

- و-ه که چه خواب‌های آشفته‌ای دیدم! چه خواب‌های پریشانی!

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۸، ص ۸۳:

- آه... چه خواب‌های آشفته‌ای دیدم! چقدر هولناک بودند!

ش) جبران

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا/:

It was a sufficiently ugly costume

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۴، ص ۳۲:

-لباس همه آن کودکان، یکسان، یعنی لباس متحدالشکل بسیار زشت و بددوختی بود که در

آن زمان نوکران و شاگردان مدرسه دربر می‌کردند.

ترجمه ولی‌الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۴، ص ۳۰:

-اما این لباس با این ترکیب، نسبتاً زشت و زننده بود.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۴، ص ۲۹:

-روی هم رفته، لباس ایشان نسبتاً زشت و بدریخت بود

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۴، ص ۴۱:

-روی هم رفته، لباس آنها زشت و بی‌ریخت بود.

ت) اشتباه مترجم

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

One of his swollen legs had a pillow under it, and was wrapped in bandages.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۵، ص ۴۰:

-هر دو ساق پایش از صورت طبیعی خارج شده و به علت آماس و بادآوردگی، هر دو نواریچ شده و روی نازبالشی قرارداشت.

ترجمه ولی الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۵، ص ۳۸:

-زیر یکی از پاهای او که در اثر بیماری آماس کرده بود، برای راحتی نازبالشی گذاشته بودند.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۵، ص ۳۶:

-در زیر یکی از ساق‌های او که آماس کرده و نواریچ شده بود، نازبالشی قرارداشت.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۵، ص ۵۱:

-پایش ورم کرده، نواریچی شده بود و بالشی زیر پایش گذاشته بود.

(ث) حفظ ساختارهای متن مبدأ

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گلد:

Tom was conducted to the principal apartment of a noble suite/ and made to sit down--

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۶، ص ۴۷:

-توم را به اطاق بزرگی در عمارت دیگر بردند و به او تکلیف کردند که بنشیند.

ترجمه ولی الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۶، ص ۴۳:

-توم را به یکی از اطاق‌های کاخ بردند و از او خواستند که بنشیند.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۶، ص ۴۵:

-توم را به اتاق اصلی یکی از عمارات بردند و به او تکلیف نشستن کردند...

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۶، ص ۶۱:

-تام را به یکی از اتاق‌های اصلی کاخ بردند و به او گفتند که بنشیند.

(خ) ساده کردن

متن انگلیسی رمان شاهزاده وگلد:

It was a boy/ bareheaded/ ill shod/ and clothed in coarse plebeian garments that were falling to rags. He raised his hand with asolemnity which ill comported with his soild and sorry aspect/ and delivered this note of warning--

"I forbid you to set the crown of England upon that forfeited head. I am the king!"

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۳۲، ص ۲۳۲:

-لیکن در همین اثنا کودکی که هیچ کس از حضور نابهنگام او خبر نداشت و گویی بر اثر معجزه ای آسمانی در آنجا راه یافته بود، در صحن صومعه آفتابی شد. کودک مزبور کلاه بر سر نداشت. لباسش ژنده و مندرس، و کفشش کهنه و پاره بود. کودک با حرکتی آمرانه که با سر و وضع مفلوک او مغایرت کلی داشت، دست بلند کرد و با صدایی رسا گفت:

«شما حق ندارید تاج سلطنت انگلستان را بر سر این خائن بگذارید. پادشاه شما منم!»

ترجمه ولی الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۳۲، ص ۱۹۴:

-اما در همین هنگام، کودکی ژنده پوش به طرز معجزه آسایی وارد آنجا شد و دست بلند کرد و گفت:

تاج را بر سر او مگذارید. من پادشاه هستم.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۳۲، ص ۲۴۳:

-لیکن در همین اثنا کودکی که هیچ کس از حضور نابهنگام او خبر نداشت و گویی بر اثر معجزه ای آسمانی در آنجا راه یافته بود، در صحن صومعه آفتابی شد. کودک مزبور کلاه بر سر نداشت؛ لباسش ژنده و مندرس، و کفشش کهنه و پاره بود. کودک با حرکتی آمرانه که با سر و وضع مفلوک او مغایرت کلی داشت، دست بلند کرد و با صدایی رسا گفت:

«شما حق ندارید تاج سلطنت انگلستان را بر سر این خائن بگذارید. پادشاه شما منم!»

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۳۲، ص ۳۳۶:

-در این لحظه پر شور، ناگهان شبخی رمیده بی مقدمه وارد صحنه شد.

همه حاضران به قدری مجذوب صحنه تاج گذاری بودند، که کسی این شبیح را ندید. تا اینکه ناگهان ظاهر شد و از راهرو بزرگ میانی بالا رفت. تازه وارد، پسر بچه ژنده پوشی بود که مثل مردم طبقه پایین اجتماع، کفش و لباس زمخت و مندرسی بر تن داشت که چیزی نمانده بود پاره پاره شود و از تنش فروریزد؛ کلاه بر سر نداشت. این پسر بچه، با وقار و متانتی که با سر و وضع خاک آلود و فقیرانه اش کوچک ترین تناسبی نداشت، دست خود را بالا برد و به آنان اخطار کرد: -من به شما اعلام می کنم که حق ندارید تاج انگلستان را بر سر او بگذارید. او شاه نیست. من شاه هستم!

توضیح: در میان ترجمه های بررسی شده در تحقیق، ویژگی ساده کردن، فقط در ترجمه ولی الله ابراهیمی (۱۳۴۸) دیده می شود.
(ذ) حذف بخشی از متن یا بند
متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

'Space being made/ presently entered a baron and an earl appareled after the Turkish fashion in long robes of bawdkin powered with gold; hats on their heads of crimson velvet/ with great rolls of gold/ girdled with two swords/ called scimitars/ hanging by great bawdricks of gold. Next came yet another baron and another earl/ in two long gowns of yellow satin/ traversed with white satin/ and in every bend of white was a bend of crimson satin/ after the fashion of Russia/ with furred hats of gray on their heads; either of them having an hatchet in their hands/ and boots with pykes' (points a foot long)/ 'turned up. And after them came a knight/ then the Lord High Admiral/ and with him five nobles/ in doublets of crimson velvet/ voyded low on the back and before to the cannel-bone/ laced on the breasts with chains of silver; and over that/short cloaks of crimson satin/ and on their heads hats after the dancers' fashion/ with pheasants' feathers in them. These were appareled after the fashion of Prussia. The torchbearers/ which were about an hundred/ were appareled in crimson satin and green/ like Moors/ their faces black. Next came in a mommarye. Then the minstrels/ which

were disguised/ danced; and the lords and ladies did wildly dance also/ that it was a pleasure to behold.'

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴، فصل ۱۱، ص ۸۲:

-این بخش از متن، در ترجمه حذف شده است.

ترجمه ولی الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۱۱، ص ۷۱:

-جشن بدین ترتیب بود که دو تن از اعیانها با لباسهای ترکی وارد صحنه شدند؛ بعد از آن، یکی از نجیبزادگان نیز به میدان آمد و به دنبال آن، دریاسالار و پنج تن از اعیان در حالی که لباسهای بسیار قشنگ و زیبا به تن داشتند، وارد ماجرا شدند و جشن را شور و حالی بخشیدند: پس از این دسته، در حدود صد نفر که صورت‌هایشان را سیاه کرده بودند و مشعل‌هایی در دست داشتند، پیدا شدند؛ بعد از آنها مردی دلقک و رامشگران و رقاصان به جشن رونقی خاص بخشیدند؛ بعد در حالی که همه اعیان به رقص پرداخته بودند، جشن به حدی شورانگیز شده بود که آن را حد و تصویری نبود.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۱، ص ۸۱:

-وقتی جا باز شد، بلافاصله دو تن از اعیان، یکی بارون و یکی دوک، که جامه به‌شیوه ترکان پوشیده بودند، به درون آمدند. قبای بلند زردوزی در بر و کلاه بلند مخمل ملبله‌دوزی بر سر و شمشیری با کمر بند زرین به کمر. پس از ایشان یک بارون و یک دوک دیگر آمدند که قبای بلندی از دیبای زرد با حاشیه سفید و مغزی قرمز به بر داشتند و به رسم روسیان، کلاهی از پوست خاکستری‌رنگ بر سر نهاده بودند و هر یک تبرزینی به دست داشتند، دو نوک تیز کفش ایشان به‌سوی بالا برگشته بود. به از ایشان، یکی از نجیبزادگان پهلوان (شوالیه) آمد؛ سپس دریادار بزرگ با پنج تن نجیبزاده ملبس به نیم‌تنه مخمل قرمز که شل کوتاهی بر دوش و بر سینه انداخته بودند و زنجیری از نقره به گردن داشتند و کلاهی مزین به پر قرقاول به رسم رقاصان بر سر نهاده بودند، به درون آمدند. آرایش این دسته، به‌شیوه پروسیان بود. پس از ایشان مشعل‌داران که تقریباً صد تن بودند و جامه از دیبای سبز و قرمز به بر داشتند و صورت خود را مانند دلقک‌ها سیاه کرده بودند، پیدا شدند؛ بعد دلقک به درون آمد؛ پس از او رامشگران و رقاصان که تغییر لباس داده

بودند آمدند و رقصیدند؛ آن‌گاه لردها و بانوان ایشان نیز با کمال میل به رقص برخاستند؛ چنان‌که الحق منظره‌ای جالب و تماشایی بود.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۱۱، صص ۱۰۹-۱۱۰:
-هنگامی که جا به اندازه کافی باز شد، دو تن از اشراف، یکی بارون و یکی دوک، که مانند ترک‌ها لباس پوشده بودند، داخل شدند. لباس بلندی که زردوزی شده بود، به تن داشتند و کلاه بلند مخمل زرشکی ملیله‌دوزی شده به سر گذاشته و شمشیری به کمر بند طلائی خود بسته بودند. پشت سر این دو، یک بارون و یک دوک دیگر داخل شدند که آنها هم لباس بلندی از دیبای زرد با حاشیه‌دوزی سفید و مغزی قرمز، به رسم روس‌ها به تن داشتند. کلاهی از پوست، اما خاکستری‌رنگ به سر داشتند و هریک تبر کوچکی در دست گرفته بودند. کفش‌هایی به پا داشتند که نوک دراز آنها (حدود سی سانتی‌متر) بالا آمده بود. پشت سر آنها یکی از نجیب‌زادگان پهلوان داخل شد؛ بعد دریا دار بزرگ با پنج تن نجیب‌زاده که نیم‌تنه مخمل قرمز با ملیله‌دوزی نقره‌ای و شل کوتاه به تن داشتند، داخل شدند. آنها کلاهی با پر قرقاول مانند رقاصان آن روز به سر گذاشته بودند. اینها مانند پروسی‌ها خود را آراسته بودند.

پشت سر آنها حدود یک‌صد تن مشعل‌دار داخل شدند؛ آنها لباسشان از دیبای سبز و قرمز بود؛ صورتشان مانند مراکشی‌ها سیاه بود؛ پشت سر آنها دلکک داخل شد؛ بعد هم نوازندگان و رقاص‌ها که لباس عوض کرده بودند، داخل شدند و شروع به رقص کردند؛ سپس لردها و بانوان آنان با علاقه شروع به رقص کردند؛ به راستی منظره‌ای جالب و تماشایی بود.

ض) جمله معترضه

متن انگلیسی رمان شاهزاده و گدا:

The larger part of his day was wasted -as he termed it/ in his own mind- in labours and pertaining to his royal office.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۳۴ فصل ۱۵، ص ۱۱۵:

-توم باقی مانده وقت خود را در آن روز، به قول خودش صرف انجام تکالیف ملال‌انگیز کرد.

ترجمه ولی الله ابراهیمی، ۱۳۴۸، فصل ۱۵، ص ۹۸:
-قسمت اعظم آن روز به هدر رفته بود؛ زیرا همه آن ساعات صرف انجام تکالیف شاق شاهانه شده بود.

ترجمه محمد قاضی، ۱۳۶۶، فصل ۱۵، صص ۱۲۰-۱۲۱:
-قسمت اعظم وقت آن روز توم، چنان که خود نیز می‌اندیشید، در حقیقت ضایع شد؛ زیرا صرف تکالیف شاق و ملال‌انگیز حرفه سلطنت شده بود.

ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی، ۱۳۸۶، فصل ۱۵، ص ۱۶۱:
-آن روز، بخش عمده وقتش - همان‌طور که خودش هم این‌طور فکر می‌کرد- تلف شد؛ چون صرف کارهای سخت و کسل‌کننده سلطنت شد.

۵. نتیجه‌گیری

با ارجاع به جدول‌ها و نمودارهای ۴.۴(الف- جنبه‌های مثبت) و بررسی ویژگی‌های مثبت، ترتیب و چگونگی قرارگرفتن ترجمه‌ها براساس مقادیر به‌دست آمده از جنبه‌های مثبت، بدین صورت است:

-ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴)؛

-ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸)؛

-ترجمه محمد قاضی (۱۳۶۶)؛

-ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶).

همچنین، با رجوع به جدول‌ها و نمودارهای ۴.۴(ب- جنبه‌های منفی) و بررسی جنبه‌ها یا ویژگی‌های منفی، دسته‌بندی ترجمه‌ها برپایه مقادیر به‌دست آمده از جنبه‌های منفی، بدین صورت است:

-ترجمه داریوش شاهین و سوسن اردکانی (۱۳۸۶)؛

-ترجمه محمد قاضی (۱۳۶۶)؛

-ترجمه محمد قاضی (۱۳۳۴)؛

- ترجمه ولی‌الله ابراهیمی (سروش) (۱۳۴۸).

گفتنی است که هر کدام از این ترجمه‌ها ویژگی‌های مثبت و منفی خاص خود را دارند و د اینجا هدف، تنها ارزیابی و بررسی مشکلات موجود در ترجمه متون ادبی است؛ نه آنکه برای ترجمه درست یا بهتر، دستورالعمل دقیق و بی‌چون و چرا صادر شود.

به‌طور کلی باید بگوییم که در الگوی پیشنهادی گارسس، ترجمه‌ها براساس دو معیار کفایت (adequacy) و مقبولیت (acceptability) گروه‌بندی می‌شوند. طبق این الگو، بین جنبه‌های منفی و میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها، رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه مقدار این ویژگی‌های منفی بیشتر باشد، میزان کفایت (انطباق عناصر زبانی در دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام موردنظر) و مقبولیت (میزان پذیرفتنی بودن از نظر خوانندگان زبان مقصد) ترجمه‌ها کمتر است و بین ویژگی‌ها یا جنبه‌های مثبت، و میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها رابطه مستقیمی برقرار است؛ به دیگر سخن، هر چه این ویژگی‌ها بیشتر باشند، میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها زیادتر خواهد بود. در نهایت و به‌منزله یک نتیجه، می‌توان گفت که این دو اصل (کفایت و مقبولیت) مبنای جدیدی برای تقسیم‌بندی ترجمه‌هاست.

در الگوی گارسس گفته می‌شود که:

هدف مدل، این است که جنبه‌های زبانی و ادبی را به هم ربط دهد و یک اثر ادبی را به‌عنوان عملکردی ارتباطی در نظر بگیرد که از یک نظام زبانی استفاده می‌کند و در پایان، هر دو جنبه را به ترجمه و مشکلاتی که پیرامون آن وجود دارد، متصل سازد (Garces, 1994: 91).

مختاری اردکانی در مقاله چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه می‌گوید:

با ارائه و ذکر مدل گارسس (۱۹۹۴)، مدل جدید و جامع‌الاطرافسی که بدان «سیستم چندگانه» می‌گویند، برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی معرفی شد تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای خام، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیز کند (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۸).

منابع

- ابراهیمی، ولی الله (مترجم). (۱۳۴۸). *شاهزاده و گدا*. تهران: سعیدی.
- اقلیمی، نرجس (۱۳۷۸). تحقیق در مورد ارزیابی ارتباط بین توانایی ترجمه دانشجویان دوره کارشناسی زبان انگلیسی با توان درک مطلب آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران.

- امامی، محمد (۱۳۸۵). بررسی امکان ارزیابی متون ترجمه شده بر اساس یک نظریه تحلیل گفتمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده زبان شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- تجویدی، غلامرضا (۱۳۸۴). «ارزشیابی کیفیت ترجمه» مطالعات ترجمه. س ۳. ش ۱۰. ۲۷-۳۸.
- جباری، محمدجعفر (۱۳۷۰). بررسی مقابله ای زبان گونه ترجمه های فارسی به انگلیسی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- حسنی، قدرت (۱۳۸۵). *ارزیابی ترجمه بر مبنای پیکره زبانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- خان جان، علیرضا (۱۳۷۹). *مقایسه متنی پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی با ترجمه فارسی نجف دریابندری: رهیافتی در تحلیل کلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

- خمیجانی فراهانی، علی اکبر (۱۳۸۴). «چهارچوبی برای ارزیابی ترجمه». *مطالعات ترجمه*. س ۳. ش ۹. ص ۴۹

- شاهین، داریوش و سوسن اردکانی (مترجم). (۱۳۸۶). *شاهزاده و گدا*. تهران: زرین.
- فرحزاد، فرزانه (۱۹۹۲). «گفتگو با دکتر فرحزاد درباره امانت داری مترجم». *روزنامه کسری*. Retrieved Jan. 4, 2009 from <http://sarbazkhne.blogfa.com/post-121>.

- قاضی، محمد (۱۳۳۴). (مترجم). *شاهزاده و گدا*. تهران: کتابفروشی گوتنبرگ.
----- (۱۳۶۶). (مترجم). *شاهزاده و گدا*. تهران: امیرکبیر.

- مختاری اردکانی، محمدعلی (۱۳۷۶). «چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه». مترجم، س ۶. ش ۲۵. صص ۵۰-۵۸.

- مینایی، بهروز (۱۳۸۵). «عرضه نرم افزار ارزیابی ترجمه های انگلیسی قران». Retrieved Jan. 4, 2009 from <http://www.itanalyze.ir/archives/2006/10/post-2505.ph>

- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

- Bensoussan, M. and J. Rosenhouse(1994). Evaluating student translations by discourse analysis, *Babel*, 36(2), 65-84.
- Cary, E. and R. W. Jumpelt (Eds) (1963). *Quality in translation*, proceedings of the 3rd congress of the international federation of translators (Bad Godesberg, 1959), New York: Macmillan/ pergamon press.
- Garces, C. V. (1994). "A methodological proposal for the assessment of translated literary works". *Babel*, 40, 77-101.
- Ghonsouli, B. (1989). *Development and validation of translating test*. Unpublished master's thesis. Tarbiat Modarres University. Tehran. Iran.
- Gilani, p. (2000). *A Propositional-based approach to translation assessment*. Unpublished master's thesis. Islamic Azad University. Central Branch. Tehran. Iran.

- Halliday, M. A. K., and Ruqaiya Hasan. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

- Hatim, B. and L. Mason. (1997). *The Translator as Communicator*. London: Routledge.
- Haydari Tabrizi, H. (2008). *Towards Developing a Framework for Evaluation of Iranian Undergraduate student's Academic Translations*. Ph.D Dissertation. Shiraz University. Iran.
- House, Juliane (1997) *Translation: a model revisted*, Tübingen: Gunter Narr.
- Manafi Anari, S. (2004). "A Function-Based Approach to Translation Quality Assessment". *Translation Studies*, 1(4), 31.
- Ramzi, P. (1999). *Objectivity in the Measurement of Translation*. Unpublished Master Thesis. Islamic Azad University, Central Branch. Tehran. Iran.

- Rastegar, S. (1999). *A study on the evaluation of translation ability of the senior students majoring in translation*. Unpublished master thesis. Islamic Azad University. Central Branch. Tehran. Iran.
- Searle, J. (1969). *Speech acts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vinay, J.P. and J. Darbelnet (1958). *A methodology for translation*. Retrieved Jan. 4, 2009 from <http://literature.ucsd.edu/faculty/attachments/lth115.wi08.pdf>
- Van Dijk, Teun A. (1980). *Macrostructures*. Hillsdale, N.J.: Erlbaum.
- Waddington, C. (2001). "Different Methods of Evaluating Student Translations." *Meta: Translators' Journal*, 46(2), 311-325. Retrieved Jan 1, 2009 from <http://www.erudit.org/documentation/eruditPolitiqueUtilisation.pdf>
- Widdowson, H.G. (1979). *Explorations in applied linguistics*. Oxford University Press.
- Williams, M. (2001). "The Application of Argumentation Theory to Translation Quality Assessment." *Meta: Translator 's Journal*, 46(2), 326-344. Retrieved Jan 5, 2009 from <http://www.erudit.org/documentation/eruditPolitiqueUtilisation.pdf>
- Wills, W. (1982). *The Science of Translation: Problems and Methods*. Retrieved Jan 5, 2009 from www.relationshipsarticles.com/.../translation-equivalence-te-and-different-theories